

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

مینو فتاحی
۲۶ سپتمبر ۲۰۱۳

کودک آزاری با نام حکومت اسلامی

وقتی از کودک آزاری حرف می زنیم معمولاً به یاد صفحه حوادث می افتیم. صورتهای کبود بچه ها و جای زخم بر دست و بدن آنها، واقعاً قلب هر انسانی را به درد می آورد. اما آسیبهای روحی و روانی مانند ترس، تهدید، تنبیه و محرومیت، زخمهایی عمیقتر به جا می گذارد که تا سالها اثرش بر تمام زندگی کودک می ماند. تعریف کودک آزاری دلایل و انواع آن را می توان از جنبه های مختلف روانشناسی، حقوقی و اجتماعی به طور مفصل مورد بررسی قرار داد.

اما در این نوشته تنها به یکی از انواع کودک آزاریهایی گسترده که دقیقاً توسط دولت اسلامی ایران علیه کودکان مهاجران افغان رخ می دهد اشاره میکنم. این نوع کودک آزاری، نتیجه اعتیاد، ناراحتیهای اعصاب، مشکلات رفتاری و اخلاقی والدین و سایر سرپرستان بچه ها نیست. اینجا کودک آزار، عمداً با نادیده گرفتن حقوق کودکان باعث درد و رنج هزاران کودک می شود. کودک آزاری به نام حکومت اسلامی که سالهاست مثل بختک بر زندگی، شادابی، سلامت و امید و آرزوهای کودکان افتاده است. نیاز کودکان به آموزش مانند نیاز آنان به هوا، غذا، خواب، لباس، بازی و محبت است. اما دولت اسلامی این حق طبیعی را از آنان سلب کرده است. براساس اصول انسانی و حتی قوانین نیم بند پیمان نامه حقوق کودک تمام کودکان حق تحصیل و آموزش دارند. کودکان افغان به جرم مهاجر بودن و نداشتن مدارک اقامتی حق ورود به مدارس را ندارند.

اما آنهایی که شانس ورود به مدارس را دارند هم چندان از ثبات بر خوردار نیستند. اگر شهریه آنان به موقع پرداخت نشود. جلوی بچه های دیگر مورد سرزنش قرار می گیرند و بارها پیش آمده که درواسط سال و حتی در آستانه امتحانات اخراج شده اند. اخراجها دلایل چندانی نمی خواهد. نپرداختن شهریه، عدم انطباق سن دانش آموز با پایه تحصیلی و یک بخشنامه بی محتوا باعث آزار و اذیت کودکان می شود. به هنگام بروز بیماریهای واگیر و بروز مشکلات پوستی مانند وجود شپش در مدارس رسماً سخنگوی آموزش و پرورش کودکان افغان را مقصر می داند. مواردی هم این کودکان با پرداخت شهریه های سنگین می توانند در مدارس غیر انتفاعی سر کلاسهای درس حضور داشته باشند اما در پایان سال تحصیلی بدون این که کارنامه ای به آنان تحویل داده شود مدرسه را ترک می کنند.

کودک آزاری حکومت اسلامی علیه کودکان افغان به اشکال مختلف ادامه دارد. این کودکان حتی در مدارس خودگردان و زیرزمینی که توسط خانواده های افغان اداره می شود، نیز امنیت ندارند. دولت طالبانی ایران با توسل به زور و خشونت این مدارس را تعطیل و گردانندگان این مدارس تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند. یکی از مکانهایی که همیشه به خاطر درس دادن به کودکان افغان مورد هجوم عوامل حکومت است (ان جی او) ها هستند. در واقع یکی از جرائم

آنها حمایت از کودکان افغان است. چرا که سیاست دولت طرد و اخراج مهاجران است و (ان جی او) ها از کودکان حمایت می کنند.

آنها مدام تحت فشار هستند و باید آدرس و مشخصات کودکان افغان را به طور کامل به مراکزی مانند شهرداری، نیروی انتظامی، وزارت کشور و بهزیستی بدهند.

کودکان افغان تمام این مسائل را می فهمند و حس می کنند و زجر می کشند!

موردی را به یاد دارم که در یکی از (ان جی او) ها برای بار اول می خواستیم کودکان افغان را به اردو ببریم تعداد زیادی از آنها ترسیدند و نیامدند. چرا که فکر می کردند این یک نقشه از طرف نیروی انتظامی برای دستگیری گروهی آنان و اخراجشان به مرز است. کودکانی که می توانستند از ذوق اردو بیقرار باشند به خاطر سیاست کثیف دولت احساس ترس و دلهره داشتند.

چند روز پیش عکسی از پلاکارد نصب شده بالای یک مدرسه دیدم که از مدیر مدرسه درخواست شده بود از ثبت نام کودکان افغان خودداری کند! در زیر آن نوشته شده بود اهالی محل! مسلماً در مدرسی که به محتویات جیب بچه ها و حتی افکار و عقاید آنان کار دارند، کسی نمی تواند بدون اطلاع مدیر دست نشاندۀ وزارت آموزش و پرورش حکومت اسلامی، چنین پلاکاردی را نصب کند. آیا آن مدیر مدرسه که در جایگاه آموزشی قرار دارد کمی به احساس کودکان افغان که این تابلو را می بینند فکر کرده یا فقط برده وار به انجام وظایفش می اندیشد!؟

در مورد اهالی محل هم نمی توان احساسات نژاد پرستانۀ چند نفر را به حساب مردم گذاشت. ایرانیها و افغانها سالهاست در کنار هم زندگی می کنند در محل کار کوچه و خیابان و پیوندهای فامیلی و در غمها و شادیهای همدیگر حضور دارند. چنین سیاست کثیفی فقط از اوباش اسلامی برمی آید!

همانها که در یزد خانه های افغانها را آتش زدند همانهایی که می گویند ورود افغانها به استخر و پارک ممنوع. فرمانداریهها و استانداریهایی که حق تردد و اسکان افغانها را در شهرهای مختلف ممنوع می کنند. وزرات آموزش عالی که حق انتخاب برخی رشته های تحصیلی را برای دانشجویان افغان ممنوع کرده است.

وزرات آموزش و پرورش از نامنویسی کودکان افغان به بهانه نداشتن شناسنامه معتبر و یا کارت اقامت، ممانعت می کند و رسماً و آگاهانه حدود نیم میلیون کودک افغان را بی هویت و بی شناسنامه اعلام کرده است.

اینها تماماً تصمیمات دولتی و نتیجه سیاست ضد بشری و نژاد ستیزی حکومت اسلامی است.

دولتی که در سطحی چنین وسیع، ضد حقوق انسانهاست، و چنین سیستماتیک کودک آزاری را سازمان می دهد. باید از همه مراکز بین المللی اخراج گردد و در دادگاههای صالحه بین المللی به دلیل آزار و تبعیض علیه کودکان باید محاکمه شود.

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۸ مهر ماه [میزان] ۱۳۹۲